Religion and Health

CONTENT ANALYSIS ARTICLE

2019, Vol: 7, No: 1, Pages: 49-62.

An Analysis of the Salīm Heart Semantics: An Approach to Spiritual Health in Holly Quran

Seyed Hosein Hoseyni Karnami[1], Ali Asghar Zakavi[2*]

1- Assistant Professor, Department of Islamic Thoughts, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
2- Associate Professor, Department of Islamic Thoughts, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

***Corresponding Author:**
Ali Asghar Zakavi
Department of Islamic Thoughts, Faculty of Medicine, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Email:
a.zakavi2009@gmail.com

Received: 01 Jul 2018
Revised: 14 Jan 2019
Accepted: 01 Jul 2019

Abstract

Spiritual health has great importance in human life to the extent that in recent years the World Health Organization (WHO) looked with favor on it. Holy Quran has introduced itself as a healing prescription for the human soul. Spiritual health is associated with the keyword of "Heart" in the Quran's literature, and the concepts of sick and healthy hearts have been mentioned in it. In this regard, the purpose of this article was the analysis of the healthy (Salīm) heart semantics to be considered an introduction as a new Quranic approach in the perception of spiritual health to perform comparative studies between these quranic indicators and indicators of spiritual health accepted by the WHO. With respect to what has been said, the present study looked for an answer to the following question:

What are the important indicators of the Salīm heart in Holy Quran to be considered as an approach toward spiritual health?

The method of content analysis was used in this study. The data considering the aim of the study were collected by searching the keywords, including "Heart" and "Health" in Islamic sources, Jami al-Tafaseer and Jami al-Ahadith software, as well as internal and international databases, and then were analyzed. It is worth mentioning that the Salīm heart has fourteen spiritual signs, including, pious, soft, amenable, modest, beseeching, fearful, soft-hearted, unselfish, living, prayer, guided, and open heart. According to the obtained results of the present study, the heart mentioned in Quran is the same as immaterial human soul, and the healthy heart means a healthy soul. More accurate comparative studies between the common spiritual health in new medicine and spiritual health of the heart in Quran can introduce a new approach to the type of diagnosis, treatment, and care in the domain of spiritual health.

Keywords: Heart, Holly Quran, Indicators, Soul, Spiritual health

▶ **Citation:** Hoseyni Karnami SH, Zakavi AA. An Analysis of the Salīm Heart Semantics: An Approach to Spiritual Health in Holly Quran. Religion and Health, Spring & Summer 2019; 7(1): 49-62 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

دین و سلامت

مقاله پژوهشی تحلیل محتوا

دوره ۷، شماره ۱، سال ۱۳۹۸ صفحه: ۶۲-۴۹.

تحلیلی بر معناشناسی قلب سلیم: رهیافتی در شناخت سلامت معنوی در قرآن کریم

سید حسین حسینی کارنامی[۱]، علی اصغر زکوی[۲*]

۱- استادیار، قرآن و حدیث، گروه معارف دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران

۲- دانشیار، فلسفه، گروه معارف دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران

* **مؤلف مسئول:** علی اصغر زکوی
گروه معارف دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، مازندران، ایران

Email:
a.zakavi2009@gmail.com

دریافت: ۱۰ تیر ۱۳۹۷
اصلاحات: ۲۴ دی ۱۳۹۷
پذیرش: ۱۰ تیر ۱۳۹۸

چکیده

سلامت معنوی (Spiritual Health) از اهمیت به‌سزایی در زندگی انسان برخوردار می‌باشد؛ تا جایی که در سال‌های اخیر، سازمان جهانی بهداشت به آن توجه ویژه‌ای داشته است. قرآن کریم خود را به‌عنوان نسخه شفابخش روح انسان معرفی کرده است. در ادبیات قرآنی، سلامت روحی یا معنوی با کلیدواژه "قلب" گره خورده و از قلب سلیم و قلب مریض سخن به میان آمده است. در این راستا هدف از مطالعه حاضر، تحلیلی بر معناشناسی قلب سلیم است تا به‌عنوان یک رهیافت قرآنی در شناخت سلامت معنوی، مقدمه‌ای باشد برای مطالعات تطبیقی میان این شاخص‌ها و شاخص‌های سلامت معنوی مورد نظر سازمان جهانی بهداشت. با توجه به موارد بیان‌شده، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که "مهم‌ترین شاخص‌های قلب سلیم در قرآن به‌عنوان رهیافتی در سلامت معنوی کدام موارد هستند؟

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شد و با جستجوی کلیدواژه‌های "قلب" و "سلامت" در منابع اسلامی و نرم‌افزارهای "جامع‌التفاسیر" و "جامع‌الاحادیث" و همچنین در پایگاه‌های اسنادی داخلی و خارجی، داده‌های مرتبط با هدف مقاله جمع‌آوری گردید و مورد تحلیل محتوایی قرار گرفت. لازم به ذکر می‌باشد که قلب سلیم ۱۴ نشانه معنوی دارد که عبارت هستند از: قلب ابراهیمی، متقی، نرم‌خو، پندپذیر، خاشع، منیب، هراسان، رئوف، متواضع، حی، ذاکر، هدایت‌یافته و گشاده.

نتایج حاکی از آن بودند که قلب در قرآن همان روح غیرمادی انسان بوده و قلب سالم به معنای روح سالم می‌باشد. مطالعات دقیق‌تر تطبیقی میان سلامت معنوی رایج در طب جدید و سلامت معنوی قلب در قرآن می‌تواند رهیافت جدیدی را در حیطه روش تشخیص، درمان و مراقبت در حوزه سلامت معنوی بگشاید.

واژه‌های کلیدی: سلامت معنوی، روح، شاخص‌ها، قرآن، قلب

◀ **استناد:** حسینی کارنامی، سید حسین؛ زکوی، علی اصغر. تحلیلی بر معناشناسی قلب سلیم: رهیافتی در شناخت سلامت معنوی در قرآن کریم. دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۳۹۸؛۷(۱): ۶۲-۴۹ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

مقدمه

۱. بیان مساله و پرسش اصلی تحقیق

سازمان جهانی بهداشت (WHO: World Health Organization) در سال ۱۹۹۷ تعریف زیر را به تصویب رساند: "سلامت یک حالت پویا و فعال از تأمین رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی است؛ نه تنها فقدان بیماری و نقص عضو" (۳-۱). در مصوبه اجلاس سالیانه این سازمان (۱۹۸۴) درباره سلامت معنوی آمده است که: "*بعد معنوی، بخشی جدانشدنی در استراتژی سلامت در کشورهای عضو سازمان بهداشت می‌باشد*" (۴،۵).

در آموزه‌های اسلامی، سلامت معنوی با کلیدواژه "قلب" گره خورده است. قرآن کریم از قلب سلیم ([۶]، شعرا/۸۹) و قلب بیمار (بقره/ ۱۰؛ مائده/۸۲) سخن گفته و خود را نسخه شفابخش دل‌های بیمار معرفی کرده است (یونس/۵۷؛ اسراء/۸۲). همچنین امام علی(ع)، امنیت و سلامت را دو نعمت ناشناخته نامیده (۷) و پیامبر(ص) را به‌عنوان طبیبی دوار برای درمان بیماری‌های معنوی انسانها معرفی نموده است ([۸]، خطبه ۱۰۸). ایشان بیماری دل را سخت‌تر از بیماری تن دانسته‌اند ([۸]، حکمت ۳۸۸).

به این ترتیب هر دو بخش وجود انسان؛ یعنی بخش طبیعی و فراطبیعی، دارای سلامت و بیماری می‌باشد که تشخیص و درمان آن در بخش اول بر عهده دانش پزشکی و در بخش دوم بر عهده طبیبان روحی است. باید خاطرنشان ساخت که تشخیص و درمان بیماری‌های فراطبیعی، دشوارتر بوده و نشانه این دشواری، کثرت مبتلایان، تعدد بیماری‌های اخلاقی صعب‌العلاج، کمیابی طبیبان روح و شافیان قلوب می‌باشد. بخشی از آیات قرآن کریم به سلامت معنوی و بیماری روحی و درمان آن اختصاص دارد (۹). امام علی(ع) سلامت روح را برتر از سلامت جسم دانسته است (۱۰،۱۱). امام حسن(ع) نیز فرموده است: "*در شگفتم از کسی که در (چگونگی استفاده از) خوراکی‌های خود اندیشه می‌کند؛ اما درباره معقولات خویش اندیشه نمی‌کند. از آنچه معده‌اش را اذیت می‌کند دوری می‌نماید؛ درحالی که سینه (روح) خود را از پست‌ترین چیزها پر می‌کند*" (۱۲).

براساس رویکرد توحیدی به جهان، بیماری و شفا هر دو به اراده الهی است (شعراء/۸۲-۷۹)؛ هم سلامتی نیازمند شکر به درگاه الهی است و هم بیماری. سلامتی فرصتی را برای تکامل و شکوفایی ظرفیت‌های وجودی انسان فراهم می‌سازد و بیماری روحی، تضرع و راز و نیاز به پیشگاه معبود را. در این راستا، امام سجاد(ع) عرض فرموده‌اند: "*خدایا، ستایش برای تو است به دلیل سلامت جسمی که همچنان از آن برخوردار هستم و ستایش از آن تو است به دلیل این بیماری که در تنم پدید آورده‌ای*" (۱۳).

هدف از مطالعه حاضر، تحلیلی بر معناشناسی قلب به‌عنوان رهیافتی قرآنی در سلامت معنوی است تا بدین‌طریق تفاوت این رهیافت با مؤلفه‌های سلامت معنوی رایج، آشکار گردد و زمینه برای انجام مطالعات تطبیقی فراهم آید. سوال اصلی تحقیق این است که مهمترین شاخص های قلب سلیم در قرآن، به عنوان رویکردی توحیدی در زمینه سلامت معنوی کدام موارد هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

مفسران قرآن به‌طور ضمنی به معناشناسی قلب و نشانه‌های سلامت آن اشاره نموده‌اند. از مهم‌ترین آثار مستقل در این زمینه می‌توان از کتاب‌های "معراج السعاده" (۱۴)، "معارف قرآن" (۱۵)، "قلب سلیم" (۱۶)، "طب روحانی" (۱۷)، "سلامت معنوی از دیدگاه اسلام" (۱۸)، "سلامت معنوی، چیستی، چرایی و چگونگی" (۱۹) و مقاله "شاخص‌های سلامت معنوی از منظر آموزه‌های وحیانی" (۲۰) نام برد. در این ارتباط، پژوهش حاضر بر کلیدواژه "قلب" در قرآن کریم و تبیین مفهومی شاخص‌های سلامت آن تمرکز یافته است.

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجایی که سلامت معنوی در قرآن، بر پایه

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

توحید و بعد فرامادی وجود انسان بنا شده است، کشف و تحلیل مفهومی شاخص‌های آن می‌تواند به گشوده‌شدن رهیافتی متفاوت در حوزه سلامت معنوی، پیش روی پژوهشگران کمک نماید. همچنین زمینه را برای مطالعات دقیق تطبیقی، میان سلامت معنوی رایج در طب جدید و میان سلامت معنوی قلب در قرآن مهیا نماید.

۴. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به روش تحلیل محتوا (Content Analysis) انجام شده و با تکیه بر کلیدواژه‌هایی همچون "قلب" و "سلامت معنوی" به جستجو در منابع اسلامی، نرم‌افزارهای "جامع‌التفاسیر" و "جامع‌الاحادیث" و پایگاه‌های اسنادی داخلی و بین‌المللی پرداخته است. در ادامه، داده‌های مرتبط با هدف پژوهش استخراج شده و نتایج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، نظریه قرآنی استخراج گردید.

یافته‌ها و بحث

۱. معناشناسی قلب در قرآن

قلب در دانش فیزیولوژی، مسئولیت خون‌رسانی به تمام اجزای بدن را بر عهده دارد. در قرآن کریم از اموری مانند روح، علم، شجاعت و مانند آن که به‌طور خاص در قلب ایجاد می‌شوند، به قلب تعبیر شده است؛ "*این (قرآن) تذکری است برای آن کس که قلب* دارد" (ق/ ۳۷). از نظر لغوی، قلب به معنای دگرگونی و تغییر یک حالت به حالت دیگر می‌باشد و منظور از آن در آیه مورد بحث، همان علم و فهم است که از جمله حالات خاص قلب به شمار می‌آید (۲۱). باید توجه داشت که از روح نیز به قلب تعبیر شده است (احزاب/ ۱۰). قرآن در جایی که از وحی سخن می‌گوید، سخنی از عقل به میان نمی‌آورد و تنها با قلب پیامبر(ص) سر و کار دارد که فراتر از عقل می‌باشد (قلب پیامبر به مقامی رسیده است که دارای استعداد درک و شهود آن حقایق می‌باشد). قلب از دیدگاه قرآن، ابزار شخصیت نیز می‌باشد؛ از این رو تأکید بسیاری بر حفظ و تکامل این ابزار نموده است (۲۲). حقیقت قلب را از طریق بررسی حالات، صفات و آثار آن می‌توان فهمید (۲۳) که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

الف. ادارک: ادراک حصولی (اعراف/۱۷۹)، ادراک حضوری (نجم/۱۳-۱۱) و وحی به‌عنوان متعالی‌ترین شکل ادراک به قلب نسبت داده شده‌اند (بقره/ ۹۷).

ب. حالات انفعالی یا احساسی مانند: ترس (انفال/۲)؛ رعب (انفال/ ۱۵۱)؛ اضطراب (نازعات/ ۸)؛ حسرت و غیظ (آل‌عمران/۱۵۶)؛ قساوت (زمر/۲۲)؛ سخت‌دلی و تندخویی (آل‌عمران/۱۵۹)؛ نرم‌خویی، خشوع، رأفت و رحمت (حدید/۱۶ و ۲۷)؛ نرمی و تواضع (حج/۵۴)؛ غفلت (کهف/۲۸)؛ گناه (بقره/۲۸۴)؛ آرامش (رعد/۲۸)؛ هدایت‌یابی (تغابن/۱۱)؛ پندپذیری (ق/ ۳۷).

ج. سایر حالات: مهرخوردن (جاثیه/۲۳؛ اعراف/۱۰۱)؛ قفل‌زدن بر دل (محمد/۲۴)؛ پرده‌هایی که مانع فهمیدن می‌شوند (سوره انعام/آیه ۲۵)؛ برخی از اختلالات ادراکی مانند تردید و شک (توبه/۴۵ و ۱۱۰)؛ غلف (بقره/۸۸).

به این ترتیب قرآن کریم مجموعه‌ای از ادراکات، بیماری‌های معنوی و اخلاقی و حالات انفعالی را به قلب نسبت داده است (۲۸-۲۴). اموری که به انسان نسبت داده می‌شوند عبارت هستند از: بینش، گرایش و کنش (رفتار). امور مرتبط با بینش و گرایش در قرآن کریم به قلب نسبت داده شده است؛ اما آنچه در دایره کنش قرار می‌گیرد، هرگز به قلب منتسب نمی‌شوند (۲۹). بر این اساس قلب در ادبیات قرآنی، همان روح فرامادی است که با قوا و عواطف باطنیه خود به فعالیت‌های حیاتی می‌پردازد (۳۰). به دلیل نسبت دادن صفات مشابه، فؤاد همان قلب است (سوره قصص/۱۰). منظور از "صدر" نیز همان روح است که ظرف و جایگاه قلب معنوی به شمار می‌آید (حج/۴۶) (۳۱،۳۲). به باور ابن سینا، قلب مرکز همه ادراکات و شعور می‌باشد و مغز تنها نقش ابزار و واسطه را دارد (۳۰). شایان ذکر است که رابطه بین بیماری و سلامت جسمی و روحی به اصطلاح منطق‌دانان، "عموم و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

خصوص من وجه" می‌باشد (۳۳).

به این ترتیب، سلامت و بیماری قلب از جنس سلامت و بیماری معنوی و روحی است و در پژوهش حاضر، منظور از بیماری و سلامت معنوی همان بیماری و سلامت منسوب به قلب (روح) می‌باشد.

۲-۱. رویکرد قرآن به سلامت و بیماری‌های قلب

تعبیر "قلب مریض" ۱۲ بار در قرآن به کار رفته است؛ از جمله "*فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ*" (بقره/۱۰). براساس این آیه، دل انسان‌ها در معرض خطر نوعی بیماری قرار دارد. البته از آنجایی که صحت و مرض در مقابل یکدیگر هستند، دل انسان می‌تواند سالم باشد. در زمان بیماری قلب، دل انسان استقامت فطری خود را از دست داده و از راه میانه منحرف می‌شود؛ بنابراین مرض قلب عبارت است از شک و تردیدی که بر درک آدمی نسبت به آنچه مربوط به خدای تعالی و آیات او می‌باشد، مستولی می‌شود و اجازه نمی‌دهد که قلب با معارف الهی و عقاید دینی ارتباط برقرار نماید (۳۴).

قلب سلیم تنها سرمایه نجات انسان در قیامت است (شعراء/۸۹)؛ همان قلبی که حضرت ابراهیم(ع) با آن به بارگاه پروردگار خود شتافت (صافات/۸۴)، فرمان رسالت را دریافت نمود و به برخورداری از آن نعمت مورد ستایش قرار گرفت.

قلب سلیم در احادیث اسلامی، حرم خدا بوده و غیر در آن راه ندارد (۳۵،۳۶). این قلب از محبت دنیا مبرا بوده (۳۷،۳۸) و با عبادت و پرهیزگاری نورانی شده است (۳۹)، از گناه پاک شده و به دور می‌باشد، در دین خدا محکم بوده و در مقابل برادران دینی از همه لطیف‌تر می‌باشد (۴۰،۴۱). علاوه براین، چنین قلبی می‌تواند به حقایق غیب و ملکوت عالم نظر کند. در این ارتباط، پیامبر(ص) فرموده است: "*اگر شیاطین قلوب فرزندان آدم را احاطه نکنند، آن‌ها می‌توانند به جهان ملکوت نظر افکنند*" (۴۲).

با توجه به ویژگی‌های یادشده، قلب سلیم همان روح پاک، نرم و پرعطوفت، سالم و انعطاف‌پذیر در مقابل حق است که در حوزه شناخت‌ها، واقعیت‌های هستی را می‌شناسد و به ایمان نائل می‌گردد، در حوزه گرایش‌ها و امیال، به مقتضای ایمان به تعدیل غرایض مبادرت می‌نماید و در حوزه رفتار، مطابق با شریعت رفتار می‌کند (۲۰).

۲-۲. ابعاد سلامت در قرآن و حدیث

الف. سلامت اخروی: حیات روح پس از فنای بدن نیز استمرار دارد (زمر/۴۲)؛ از این رو در قرآن از سلامت و آرامش روانی سخن گفته شده و نتیجه یاد خدا دانسته شده است (رعد/۲۸). علاوه‌براین، از نفس آرام به‌عنوان بالاترین مراتب نفس یاد شده است (فجر/۳۰-۲۷). بر پایه تعریف قرآن از قلب سلیم، گستره سلامت به سلامت اخروی و ورود به بهشت جاودان الهی کشیده شده و در مقابل آن ناامنی و خسران اخروی قرار دارد که ابتلا به عذاب و محروم‌شدن از رحمت واسعه خداوند می‌باشد. امام صادق(ع) در این ارتباط می‌فرمایند: "*نعمت در دنیا، امنیت و سلامت جسم است و نعمت کامل در آخرت، واردشدن به بهشت می‌باشد*" (۴۳).

ب. سلامت دنیا: اهل ایمان موظف هستند که از پروردگار خود، سلامت در دنیا و آخرت را درخواست کنند (۴۴). امام سجاد(ع) می‌فرماید: "*خدایا، میان من و تندرستی در این جهان و آن جهان جدایی میفکن. بر من منت بگذار و سلامت، امنیت، بی‌عیبی در دین و بدن، ... به من عطا فرما*" (۴۵). باید خاطرنشان ساخت که عافیت در دین و دنیا به "نعمت جمیل" نیز تعبیر شده است (۴۶).

ج. سلامت در دین: از آنجایی که در جهان‌بینی اسلامی، دین تنها راه سعادت است؛ بنابراین سلامت در دین، سلامت دنیا و آخرت را نیز تضمین خواهد کرد (۴۷).

د. سلامت معنوی قلب: سلامت معنوی از منظر قرآن، توحیدمحور و روح‌محور بوده و به سلامت دین و سلامت اخروی متصل می‌شود. براساس این تحلیل، پیامبر اعظم(ص) به‌عنوان طبیب جان انسان‌ها و قرآن

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

به‌عنوان نسخه شفابخش بیماری‌های روحی معرفی شده‌اند (۲۳).

۲-۳. شاخص‌های سلامت معنوی قلب

قلب سلیم در قرآن و روایات، ویژگی‌ها، نشانه‌ها و حالاتی دارد که می‌توان از آن‌ها تحت عنوان "حالات قلبیه" یاد کرد.

۲-۳-۱. قلب سلیم ابراهیمی: از آنجایی که پیامبران الگوی زندگی معنوی هستند، قلب حضرت ابراهیم(ع) به‌عنوان شاخص سلامت قلب معرفی شده است: "*(به خاطر بیاور) هنگامی را که (ابراهیم (ع) با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد*" (صافات/۸۴). آمدن نزد پروردگار، کنایه از تصدیق خدا و ایمان به او می‌باشد. قلب سلیم، قلبی است که هیچ تعلقی به غیر از خدا نداشته باشد (۴۸). تمامی اوصاف ارائه‌شده در سوره صافات، نشانه‌های قلب سلیم ابراهیمی(ع) محسوب می‌شوند؛ به‌عنوان مثال: استدلال‌گری، آخرت‌گرایی، مهاجرت به سوی خدا، درخواست فرزند صالح، تسلیم‌بودن، صدق و راستی، نیکوکاری و ایمان (صافات/۱۱۱-۸۵).

۲-۳-۲. قلب پرهیزگار: قلب متقی و پرهیزگار در قرآن در برابر قلب آثم به کار رفته است (بقره/ ۲۸۳). یکی از نشانه‌های قلب متقی، تعظیم شعائر الهی می‌باشد (حج/۳۲). اضافه‌شدن تقوی به قلوب نشان‌دهنده آن است که حقیقت تقوا و پرهیز از محارم الهی، امری معنوی است که قائم بر دل‌ها می‌باشد و منظور از قلب، دل و نفوس است (۴۸). نشانه دیگر قلب متقی، شکیبایی در برابر حکم الهی می‌باشد (انسان/۲۴)؛ زیرا گناه، اولاً و بالذات مربوط به قلب (روح) است و فکر گناه سرانجام انسان را به سمت رفتار گناه‌آلود می‌کشاند.

۲-۳-۳. قلب لین: لینت (نرمی) در مورد اجسام به کار رفته و به‌صورت کنایه درباره خلق و خو نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد: "فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُم" (آل‌عمران/۱۵۹). این آیه نرم‌خویی را به پیامبر(ص) نسبت داده است (۴۹). ماده "لین" پنج بار در قرآن کریم به کار رفته و به معنای نرمی و نرم‌خویی در برابر خشونت‌ورزی می‌باشد. در یک آیه نیز به قلب نسبت داده شده است: "*از شنیدن آیات وحی، لرزه بر اندام کسانی می‌افتد که از پروردگارشان می‌ترسند. سپس پوست و قلبشان (برون و درونشان) نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود*" (زمر/۲۳).

این آیه تصویری از نفوذ عجیب آیات قرآن در دل‌های آماده را ارائه کرده است. کلام وحیانی قرآن، ابتدا خوف و ترسی را در دل مؤمن ایجاد می‌کند؛ خوفی که مایه بیداری است و ترسی که انسان را متوجه مسئولیت‌هایش می‌سازد. در مرحله بعد، حالت نرمش و پذیرش سخن حق را به او می‌بخشد و به دنبال آن آرامش می‌یابد. یاران پیامبر هنگامی که قرآن بر آن‌ها تلاوت می‌شد، چشم‌هایشان اشک‌بار می‌گشت و لرزه بر اندامشان می‌افتاد (۵۰). امام علی(ع) درباره پرهیزگاران فرموده است: "*به هنگام شب درحالی که اجزای قرآن را شمرده و سنجیده تلاوت کنند، ... چون به آیه‌ای بشارت‌دهنده برسند، به مورد بشارت طمع کنند و روحشان از روی شوق به آن خیره گردد*" ([۸]، خطبه ۱۸۴).

نرم‌خویی یکی از صفات پیامبر اکرم(ص) و عامل اصلی پذیرفتن دعوت ایشان بوده و معلول لطف و رحمت الهی به آن حضرت می‌باشد. در مقابل، خداوند صفت خشونت و سنگ‌دلی را از قلب ایشان به دور داشته است (آل‌عمران/۱۵۹). از این تقابل برمی‌آید که در این آیه، نرم‌خویی به‌صورت کنایه به قلب و روح آن حضرت نسبت داده شده است. باید خاطرنشان ساخت که لینت و نرمی به گفتار نیز نسبت داده می‌شود (طه/۴۴).

۲-۳-۴. قلب آرام: قرآن کریم سکونت و آرامش را به قلب پیغمبر(ص) و مؤمنین نسبت داده است؛ "*هُوَ الَّذی أَنْزَلَ السَّکینَةَ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنینَ*" (فتح/ ۴ و ۱۸). ماده "سکن" و مشتقات آن ۶۹ بار در قرآن به کار رفته است که در چند آیه به معنای سکون و آرامش قلبی می‌باشد.

سکون به معنای ثبوت یک چیز پس از متحرک‌بودن

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

آن است (۵۱). "سکن" همان استقرارداشتن در برابر حرکت و جنبش می‌باشد؛ اعم از اینکه استقرار، مادی باشد و یا روحی. استقرار باطنی به طمأنینه و رفع اضطراب تعبیر می‌شود (۵۲). به این ترتیب، سکینه به معنای آرامش قلب و روح است و مقابل آن، عدم ثبات روح، اضطراب و نگرانی قرار دارد. "سکینه" آرامش و اطمینان خاطری است که هرگونه تردید و وحشت را از انسان دور می‌نماید و او را در طوفان حوادث ثابت‌قدم می‌کند. این آرامش ممکن است جنبه عقیدتی داشته و تزلزل در اعتقاد را برطرف سازد و یا جنبه عملی داشته و فرد را ثابت‌قدم نماید.

در برخی از روایات، "سکینه" به معنای "ایمان" و در برخی دیگر به معنای "نسیم بهشتی" تفسیر شده است (۵۳). "سکینه" حاصل ایمان بوده و همچون نسیم بهشتی، آرام‌بخش می‌باشد. مؤمن دست لطف و حمایت خدا را همواره بر سر خود احساس می‌کند. این درحالی است که اضطراب حاکم بر افراد بی‌ایمان از خلال گفتار و رفتارشان کاملاً محسوس می‌باشد (۵۴،۵۵). شایان ذکر می‌باشد که در برخی از آیات قرآن، واژه "سکینه" به معنای اطمینان قلبی و ثبات روحی به کار رفته است (فتح/۱۸ و ۲۶).

۲-۳-۵. قلب پندپذیر: ظرفیت قلب برای پذیرش موعظه از نشانه‌های قلب سالم است: "*إِنَّ فی ذلِکَ لَذِکْری لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ وَ هُوَ شَهیدٌ: در این [قرآن] تذکری است برای آن کس که عقل (قلب) دارد و یا گوش دل فرا می‌دهد؛ درحالی که حاضر باشد*" (سوره ق/آیه ۳۷). منظور از قلب در این آیه، عقل است (۶۰،۶۱) و مراد از داشتن قلب، برخورداری از عقل پندپذیر و گوش شنوا می‌باشد (۵۸). تذکر و موعظه برای افرادی است که دارای قلب هستند؛ قلبی آگاه که حقایق را درک می‌کند؛ اما قلبی که هوشیار نیست، به منزله عدم می‌باشد (۵۹). براساس آیات قرآن (ملک/۱۰) یکی از آسیب‌های عدم تعقل و پندپذیرنبودن، ورود به دوزخ و ازدست‌دادن سلامت در آخرت می‌باشد (۶۴،۶۵).

۲-۳-۶. قلب خاشع: "*أَلَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللَّهِ: آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا خاشع گردد؟!*" (حدید/۱۶). خشیت، خوف و ترسی است که با تعظیم و بزرگ‌شمردن همراه می‌باشد و اغلب در مواردی رخ می‌دهد که فرد در مورد انسان یا چیزی که از آن می‌ترسد، علم کافی دارد؛ به همین دلیل، خشیت از خدا به دانشمندان اختصاص یافته است (فاطر/۲۸)؛ زیرا مقتضای علم می‌باشد (ق/۳۳).

معنای اصلی این ماده، همان مراقبت و محافظت کردن همراه با خوف است. به این معنا که فرد در حالتی از خوف و ملاحظه از اعمال خود مراقبت نماید. این معنای خشیت، از لوازم علم و یقین می‌باشد و فردی که خشیت ندارد، از علم و آگاهی بی‌بهره است؛ به همین دلیل گاهی در کلام خشیت گفته می‌شود و از آن علم و آگاهی اراده می‌گردد (۶۲). در این راستا فخر رازی می‌نویسد: "بین خوف و خشیت فرق است. خشیت، ناشی از عظمت مخشی بوده و خوف، ناشی از ضعف فرد خائف می‌باشد" (۶۳).

داشتن معرفت حقیقی نسبت به خدای متعال باعث می‌شود که قلب انسان در برابر عظمت وجودی او احساس فقر ذاتی نماید و با درک حضور پراحتشام خداوند، خشیت یافته و جهان را محضر او بداند.

۲-۳-۷. قلب منیب (اهل انابه و توبه): "*مَنْ خَشِیَ الرَّحْمنَ بِالْغَیْبِ وَ جاءَ بِقَلْبٍ مُنیبٍ: آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پر از انابه در محضر او حاضر شود*" (ق/۳۳-۳۱). انابه به سوی خدا به معنای بازگشت به سمت او همراه با توبه و عمل خالصانه می‌باشد (۶۴). قلب منیب آن است که نسبت به خداوند خوف و خشیت دارد و به دلیل همین ویژگی، همواره به سوی خدا بازگشت داشته و پیمان‌ها و قوانین الهی را حرمت می‌نهد.

۲-۳-۸. قلب هراسان: ماده "وجل" و مشتقات آن به معنای بیم و هراس، پنج بار در قرآن آمده است. "وجل" به معنای ترس بوده و فرق آن با خوف در این است

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

که وجل به معنای ترس همراه با دلشوره می‌باشد که خلاف طمأنینه و آرامش قلبی است. در حقیقت، "وجل" به‌وجودآمدن اضطراب و بی‌قراری در دل است؛ آنگاه که اطمینان و آرامش را سلب نماید. شایان ذکر است که خوف و فزع‌کردن از آثار "وجل" می‌باشد (۶۵).

حالت "وجل" در قرآن در دو مورد به‌عنوان یک حالت قلبیه منفی (حجر/۵۲ و ۵۳) و در سه مورد به‌عنوان حالت قلبیه پسندیده مورد استفاده قرار گرفته است: "*مؤمنان کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده می‌شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد*" (سوره انفال/آیه ۲). در این آیه و دو آیه پس از آن به پنج مورد از صفات برجسته مؤمنان همچون ترسیدن و تکان‌خوردن دل هنگام ذکر نام خدا، زیادشدن ایمان در اثر شنیدن و گوش فرادادن به آیات قرآن، توکل، بر پا داشتن نماز و انفاق اشاره شده است.

به اعتقاد مفسران، منشأ وجل و ترس از روی تعظیم، گاهی درک مسئولیت‌ها و احتمال عدم قیام نسبت به انجام وظایف در برابر خدا بوده و گاهی به دلیل درک عظمت مقام و توجه به وجود باشکوه او می‌باشد (۶۷-۶۶؛ ۲۶). قلب انسان مؤمن به دلیل درک عظمت خداوند و آگاهی از مسئولیت خود در برابر وی و سایر انسان‌ها، ترسان از یاد خدا است. باید عنوان نمود که قلب هراسان (وجل)، دغدغه مسئولیت در برابر خدا را در درون دارد (مؤمنون/۶۰)

۲-۳-۹. قلب رئوف: "رأفت" یکی از صفات کمالی خداوند است (بقره /۲۰۷)؛ "*وَ جَعَلْنا فی قُلُوبِ الَّذینَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً: در دل کسانی که از او (عیسی) پیروی کردند، رأفت و رحمت قرار دادیم*" (حدید/۲۷). این آیه درباره پیروان حضرت عیسی(ع) نازل شده است و به رأفت، رحمت و عواطف مثبت نسبت به مسیحیان راستین اشاره دارد (۶۸). لازم به ذکر می‌باشد که "رأفت" به معنای مهربانی، لطف و رحمت شدید است؛ به‌گونه‌ای که درد و کراهتی را به همراه نداشته باشد؛ اما "رحمت" به مطلق مهربانی اطلاق می‌گردد؛ اگرچه همراه با درد و رنج باشد؛ به‌عنوان مثال، معالجه‌کردن بیمار با دارویی که از آن بدش می‌آید (۶۹). باید توجه داشت که برخی از پژوهشگران، واژه "رأفت" را با "رحمت" مترادف دانسته‌اند (۷۰). ذکر این نکته ضرورت دارد که رأفت و مهربانی یکی از حالات مثبت قلبیه است.

۲-۳-۱۰. قلب محب و متواضع: "وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِینَ؛ الَّذِینَ إِذا ذُکِرَ اللّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ: و بشارت ده متواضعان و تسلیم‌شوندگان را؛ همان‌هایی که چون نام خدا برده می‌شود، دل‌هایشان پر از خوف (پروردگار) می‌گردد" (حج/۵۳ و ۵۴).

"خَبْت" به معنای زمین گسترده و خالی می‌باشد که گیاهی در آن نروییده است؛ گویا گیاه را از آن درو کرده‌اند. این واژه به‌تدریج به معنای فروتنی و تواضع به کار رفته است (۷۴-۷۱). "اخبات" در اصطلاح به معنای قرارگرفتن در محیط مطمئن و آرامی است که به دور از اضطراب، تردد و اختلاف باشد. نتیجه این حالت، پیدایش نور ایمان و طمأنینه در قلب می‌باشد تا بدین‌طریق از اضطراب، تحول و تزلزل دور شده و سکون نفس پیدا کند (۷۵). اخبات، مرتبه عالی ادای وظایف و اعمال صالحه می‌باشد. در اثر این التزام عملی، انقیاد و فروتنی حاصل می‌شود و انجام این وظایف منجر به تثبیت ایمان در قلب می‌گردد که خود این ثبات ایمان، حرکت‌آفرین می‌باشد (۷۶). در معنای کلی اخبات، نوعی بیم و هراس لحاظ شده و با چند اصطلاح قرآنی از جمله "تقوا"، "وَجَل"، "خوف"، "خشیت" و "اشفاق" رابطه تنگاتنگی دارد. با توجه به معانی این لغات به نظر می‌رسد که واژه "اخبات" عام بوده و "تقوا"، "وجل"، "خشیت"، "رجا" و "اشفاق" زیرمجموعه‌های آن به شمار می‌آیند. در اخبات علاوه بر انواع ترس‌هایی که برشمردیم، معنای طمأنینه، آرامش، پناه‌بردن و سرسپردگی به خدا نیز نهفته است. در حقیقت، مخبتین در نتیجه ترس و معرفتی که پیدا کرده‌اند به آرامش می‌رسند (۷۷).

اخبات و مشتقات آن سه بار در قرآن به کار رفته‌اند (حج/۳۴، ۳۵ و ۵۵؛ هود/۲۳). در این آیات تواضع در

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

برابر حق تعالی از صفات مؤمنان برشمرده شده است. در سوره حج، چهار صفت خوف از خدا، شکیبایی در برابر حوادث دردناک، احیای یاد خدا و انفاق برای مخبتین برشمرده شده است که دو مورد از آن‌ها جنبه معنوی و روانی و دو مورد دیگر جنبه جسمانی دارند (۷۸). خواجه عبدالله انصاری، اخبات را میدان سی و نهم دانسته است که در اثر آن، فرد سکون روحی پیدا می‌کند (۷۷،۷۹). مخبتان ابتدا بر اثر ذکر الهی به خوف و خشیت رسیده و سرانجام به اطمینان، آرامش و ثبات دست می‌یابند (۸۰،۸۱).

۲-۳-۱۱. قلب حی و زنده: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خوانند که شما را حیات می‌بخشد" (انفال/۲۴). در این آیه ایمان مایه حیات قلب معرفی شده است. در سوره فاطر نیز آمده است که "*و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! ... و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی*" (فاطر/۲۲). براساس این آیه میان مردگان و زندگان تقابل وجود دارد. آنان که پیام توحید را می‌شنوند و ایمان می‌آورند، به حیات حقیقی زنده‌اند؛ اما دیگران که در گورستان کفر و بی‌ایمانی از پای افتاده‌اند، از حیات معنوی بی‌بهره می‌باشند (۸۲). این حیات همان حیات روح آدمی است که جایگاه ایمان به شمار می‌آید. علاوه‌براین، در قرآن کریم آمده است: "*بی‌شک تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نمی‌توانی افراد ناشنوا را هنگامی که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند، فرابخوانی. همچنین نمی‌توانی افراد نابینا را از گمراهی برهانی*" (نمل/۸۰ و ۸۱). مقایسه این دو آیه نشان می‌دهد که منظور از مردگان در آیه اول، مردگان معنوی می‌باشد (روم/۵۳)؛ از این رو قلب حی و زنده، قلب مؤمن است (۹۰). در این راستا، امام علی(ع) برخی از عالم‌نمایان را مردگانی در میان زندگان دانسته است که به‌صورت انسان؛ اما در سیرت غیرانسان می‌باشند ([۸]، خطبه ۸۷). ذکر این نکته ضرورت دارد که حیات معنوی قلب، دارای ارتباطی مستقیم با گوهر ایمان می‌باشد.

۲-۳-۱۲. قلب ذاکر و آگاه: جایگاه ذکر همان قلب و روح آدمی است که آثار آن به زبان و جوارح منتقل می‌شود. قرآن پیروان خود را به ذکر کثیر فراخوانده است تا در تمامی حالات از ذکر قلبی، زبانی و عملی غافل نشوند (احزاب/۴۱؛ اعراف/۲۰۵). همچنین از صاحبان حکمت و خرد با عنوان "قلب‌های متذکر" یاد کرده است (بقره/۲۶۹). افزون بر یاد خدا (حج/۳۵)، موارد زیر نیز از مصادیق ذکر می‌باشند: قرآن، یاد نعمت‌های خداوند، متذکرشدن و فهم حقایق و معارف الهی (بقره/۴۰، ۴۷، ۱۱۲ و ۲۶۹). از این آیات استفاده می‌شود که ذکر خدا و یادآوری نعمت‌های حق تعالی، مایه حیات دل و نشانه سلامت معنوی می‌باشد.

۲-۳-۱۳. قلب مهتدی: "*وَ مَن یُؤمِن بِاللهِ یَهدِ قَلبَه*" (تغابن/۱۱)؛ "*کسی که به خدا بگرود، دلش را به راه آورد و خدا نسبت به هر چیزی دانا است*". قلب هدایت‌یافته، آن است که در مسیر درک معارف و احکام اسلامی به راه افتاده است و دارای پنج صفت می‌باشد: ایمان به غیب و خالق هستی، ایمان به پیامبران، یقین به آخرت، حفظ ارتباط با خدا و ارتباط نیک با هم‌نوعان و دستگیری از دیگران از طریق انفاق (بقره/۵-۳). صاحبان قلب هدایت‌یافته عبارت هستند از: پیامبران (یس/۲۱)، برخی از فرزندان انبیا (حدید/۲۶)، متقین با پنج ویژگی (بقره/۵-۲)، صابران (بقره/۱۵۷-۱۵۳)، هدایت‌شدگان (اسراء/۹۷ کهف/۱۷؛ اعراف/۱۷۸)، آبادکنندگان مساجد، مؤمنان به خدا و قیامت، برپادارندگان نماز، پرداخت‌کنندگان زکات و افراد خاشع در برابر خدا (توبه/۱۸) و افراد دارای ایمان خالص (انعام/۸۲).

در ادبیات قرآنی، هدایت دو سو دارد: نخست اراده‌کردن خداوند برای هدایت‌نمودن یک فرد و در وجه دیگر، پذیرش هدایت الهی از جانب فرد: "*وَ لکِنَّ اللَّهَ یَهْدی مَنْ یَشاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدینَ*" (قصص/۵۶). قلب مؤمن شایستگی‌هایی دارد که به دلیل وجود آن‌ها خداوند اجازه نمی‌دهد که به باطل ایمان بیاورد

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

(انفال/۲۴). شایان ذکر است که هدایت‌یافتگی، نشانه سلامت معنوی قلب و گمراهی، نشانه بیماری آن می‌باشد.

۲-۳-۱۴. قلب گشاده (شرح صدر): واژه "صدر" به معنای قفسه سینه است و برای برجسته‌ترین و مقدم‌ترین بخش هر چیزی استعمال می‌شود؛ مانند صدر کلام و صدر مجلس. از آنجایی که قلب در سینه قرار دارد، برای قلب نیز به‌عنوان مجاز استعمال می‌شود (۸۳). از سوی دیگر، واژه "شرح" به معنای بسط و وسعت‌دادن است و در اصل به معنای پهن‌کردن و بسط‌دادن گوشت و امثال آن می‌باشد. قلب داخل صدر بوده (حج/۴۶) و معدن نور ایمان و تقوی (فتح/۲۶) است. علاوه‌براین جایگاه حالات و صفاتی همچون سکینه (فتح/۴)، اطمینان (مائده/۲۱۳)، خشوع (حدید/۱۶) و خلوص و طهارت (احزاب/۵۳) می‌باشد که با عبور از صافی صدر به قلب می‌رسند؛ از این رو انشراح و ضیق، به صدر اختصاص دارد نه به قلب. سعه صدر یکی از الطاف خداوند می‌باشد که از طریق آن شخص را قوی، صبور و توانا می‌سازد تا بتواند سختی‌ها را تحمل نماید. خداوند در مقام امتنان به حضرت رسول (ص) می‌فرماید: "*أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ*" (انشراح/۱) (۸۴).

شرح صدر به معنای گستردگی روح بوده و کنایه از توانمندی روحی و معنوی است. شرح صدری که ظرف علم و عرفان می‌باشد، همان توسعه‌ای است که باعث می‌شود انسان هر سخن حقی را بپذیرد و به آن عمل نماید. این حالت ناشی از روشنایی قلب می‌باشد. شرح صدری که در قرآن به معنای آمادگی برای فراگرفتن علم و عرفان آمده است نیز در حقیقت با همان معنای اصلی آن استفاده شده است؛ زیرا سینه را شرح‌دادن و آن را پذیرای معارف الهی نمودن، خود نوعی توسعه می‌باشد؛ زیرا در قرآن درباره اضلال (که مقابل شرح صدر است) آمده است: "*یُجْعَلْ صَدْرَهُ ضَیِّقاً حَرَجاً*"؛ بنابراین کسی که خداوند سینه‌اش را برای قبول اسلام شرح داده باشد، در حقیقت سینه‌اش را برای تسلیم شدن در برابر اعتقادات صحیح و عمل صالح وسعت بخشیده است (۸۵).

آیات متعددی در قرآن درباره سعه صدر آمده است؛ به‌عنوان مثال "*أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ*" (انشراح/۱؛ طه/۵). مراد از صدر در این آیات، قلب، سعه و گسترش آن می‌باشد؛ اما به اعتبار حال و محل، واژه صدر به کار رفته است (۸۶). اثر شرح صدر، نرمی دل می‌باشد که آن را برای قبول ذکر خدا مستعد می‌نماید (۸۵). این آیه با بیان نرم‌بودن دل برای پذیرفتن ذکر خدا و خضوع در برابر حق، بیانگر آن می‌باشد که نرمی دل همان هدایتی است که خداوند هر که را بخواهد بدان موفق می‌سازد. معنا و شرح این دو آیه (آیه مورد بحث و آیه سوره زمر) به این معنای واحد است که خدای سبحان هنگامی که بنده‌ای از بندگان خود را هدایت می‌کند، سینه‌اش را شرح و توسعه می‌بخشد؛ در نتیجه سینه‌اش برای قبول هر اعتقاد حق و عمل صالحی گنجایش یافته و آن را به نرمی می‌پذیرد و قساوتی ندارد تا آن را رد کند. این خود یک نوع نور معنوی است که اعتقادات صحیح و عمل صالح را در نظر فرد روشن ساخته و صاحبش را در عمل به آن یاری می‌رساند؛ همین معنا معرف هدایت الهی می‌باشد.

تحلیل آیات قرآن نشان می‌دهد که توجه به برخی از امور در ایجاد و تقویت شرح صدر مؤثر می‌باشد. مورد اول تدبر در قرآن بوده (یونس/۵۷) و مورد دوم، ذکر (لفظی و معنوی) می‌باشد. در این ارتباط، امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: "*الذکر یشرح الصدر*؛ *ذکر جان را گشاده می‌گرداند*" (۸۷). مورد سوم، تسبیح و عبادت است (حجر/۹۸-۹۷) و مورد چهارم، دعا و درخواست از خداوند می‌باشد (این عوامل از آیات ۹۷ و ۹۸ سوره حجر قابل استنباط هستند). افزون بر این، سیره انبیا در تقاضای این موهبت از خداوند، این واقعیت را تأیید می‌کند که شرح صدر از سوی خداوند به بشر اعطا می‌شود (طه/۲۵). در این راستا مطالعات پیگیر و مستمر، ارتباط مداوم با علمای صالح، خودسازی و تهذیب نفس، پرهیز از گناه و به‌ویژه پرهیز از غذای حرام از عوامل ایجاد شرح صدر معرفی شده‌اند (۸۸).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

نتیجه‌گیری

قلب در ادبیات قرآنی به معنای روح انسان به‌عنوان یک حقیقت فرامادی و ابدی می‌باشد. اگرچه امروزه سلامت معنوی به‌عنوان بعد چهارم سلامت مورد توجه جهانیان قرار گرفته است؛ اما سلامت معنوی قلب در قرآن بر پایه توحید و باور به وجود روح، معنا و مفهومی متفاوت دارد. قلب موجودی است که هم علم حضوری دارد و هم علم حصولی. علاوه براین احساسات، ادراکات، هیجانات و عواطف نیز به آن نسبت داده می‌شود. بر پایه آموزه‌های قرآن، سلامت و بیماری قلب از جنس سلامت و بیماری معنوی می‌باشد.

در پارادایم حاکم بر طب جدید، حیات انسانی به زیست طبیعی مادی تنزل یافته و از حیات روحانی آن غفلت شده است؛ به همین دلیل بخش مهمی از روش‌های درمان براساس آزمایش بر روی حیوانات به‌دست می‌آید و میان دامپزشکی و طب تفاوت چندانی وجود نداشته و انسان حیوانی در نظر گرفته می‌شود که سخن می‌گوید و فکر می‌کند؛ اما براساس آیات قرآن، حقیقت انسان، قلب به معنای روح فرامادی او می‌باشد که هم منشأ اصلی حیات فیزیکی او بوده و هم مایه حیات معنوی وی می‌باشد. به این ترتیب، سلامت معنوی قلب معنایی گسترده‌تر از سلامت معنوی رایج در سازمان جهانی بهداشت دارد و حوزه سلامت، علاوه بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی، به ابعاد جدیدی مانند سلامت در دین، سلامت روح و سلامت اخروی گسترش می‌یابد. خدای متعال علاوه بر حیات ظاهری و زیستی، حیاتی دیگر (انفال/۲۴) را به انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات بخشیده است و به‌جز درمان‌های جسمانی، آب حیات دیگری را ارزانی داشته است که انسان به ظاهر زنده (و در واقع مرده) را حیاتی حقیقی می‌بخشد؛ به‌گونه‌ای که حیات ظاهری در برابر آن، چیزی جز مرگ نیست. بر پایه همین واقعیت قرآنی، گروهی از انسان‌ها، حیوان بالفعل و انسان بالقوه هستند (حجر/۳) و نه انسان حقیقی. این همان ره‌آورد معرفتی قرآن کریم است که بر مبنای آن، جامعه بدون قرآن، مریض بوده و انسان بدون وحی، بیمار می‌باشد (اسراء/۸۲).

در این پژوهش مشخص شد که قلب سلیم، روح و قلب سالم دارای ۱۴ نشانه هستند: قلب ابراهیمی، متقی، نرم‌خو، پندپذیر، خاشع، منیب، هراسان از یاد خدا، رئوف، متواضع، حی، ذاکر، هدایت‌یافته و گشاده. انسان خردمند باریافته به حریم امن ایمان، پس از معرفت به حالات قلب می‌کوشد جان خود را به این حالات روحی- معنوی بیاراید تا سلامت معنوی قلب خویش را رقم بزند. بی‌شک در این مسیر رشد و کمال، هدایت الهی او را مدد خواهد رساند (عنکبوت/۶۹).

پیشنهادات

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود مطالعات دقیق‌تری به‌صورت تطبیقی میان سلامت معنوی رایج در طب جدید و سلامت معنوی قلب مورد نظر قرآن انجام شود تا زوایا و دامنه رویکرد قرآنی آشکارتر گردد و فضای جدیدی را در حیطه پژوهش در حوزه سلامت معنوی بگشاید. همچنین، شایسته است متولیان سلامت و بهداشت جامعه با توجه به ظرفیت فرهنگی و معنوی قرآن، از این دریای معارف در آموزش و مطالعات حوزه طب، سلامت و بهداشت استفاده نمایند.

حمایت مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی دانشگاه به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش تمامی اصول اخلاقی مرتبط با پژوهش از جمله اصالت ارجاعات به منابع اصلی و صداقت در ارجاعات رعایت شده است.

تضاد منافع

تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از نظرات عالمانه برخی از اساتید گروه معارف دانشگاه که بر ارتقای کیفی مقاله اثرگذار بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. World Health Organization. Preamble to the constitution of the World Health Organization as adopted by the International Health Conference, New York; 1946. P. 19-22.
2. Bircher J. Towards a dynamic definition of health and disease. Health Care and Philosophy. 2005; 8(3):335-41.
3. Saracci R. The World Health Organization needs to reconsider its definition of Health. BMJ. 1997; 314(7091):1409-10.
4. World Health Organization. Constitution of the world health organization. Geneva: World Health Organization; 1995.
5. World Health Organization. Handbook of resolutions and decisions. Geneva: World Health Organization; 1985. V2, p. 5-6.
6. Holy Qur'an. Trans: Naser Makarem Shirazi. Qom: Sarmayeh Press; 2011 (Persian).
7. Fatal Neyshaboori M. Rozatolvaezin. Trans: Mahdavi Damghani M. Tehran: Ney Publication; 1987. P. 472 (Persian).
8. Ali Bin Abeetaleb. Nahjolbalaqah. Trans: Ali Shirvani. Qom: Nassim Hayat Press; 2005 (Persian).
9. Javadi A. The face and stick of man in the Quran, Thematic interpretation of Quran. Qom: Center of Asra Publication; 2004. V14, p. 84 (Persian).
10. Harrani I. Tohafol-uqool an alerrasoul. Beirut: Alaalami Publication; 2002. P. 203-39.
11. Ali Bin Abeetaleb. Nahjolbalaqah. Trans: Ali Shirvani. Qom: Nassim Hayat Press; 1965. Khotbeh 19. P. 337.
12. Majlesi Isfahani MB. Bihar Al-anvar. Tehran: Darol-Kotob-Alislamiya; 1982. V1, P. 218.
13. Ali Bin Hoseyn. Al-Sahifa al-Sajjadiyya. Trans: Rezaei MM. Qom: Maarif Publication; 2014. P. 76 (Persian).
14. Naraqi MA. Meraj al-saadah. Tehran: Dehqan Publication; 2014 (Persian).
15. Misbah Yazdi MT. Maarif Quran. Qom: Imam Khomeyni Anstitue Publicatioin; 1994 (Persian).
16. Dastgheyb SA. Qalb-e-Salim. Tehran: Dar Al Kutub Al Islamiyah; 1974 (Persian).
17. Biazar Shirazi A. Tibbe Roohani or mental health. Teharn: Islami Culture Publication; 1999 (Persian).
18. Misbah M. Spiritual health in Islam. Tehran: Huqooqi Publication; 2013 (Persian).
19. Azizi F. Spiritual health. Tehran: Huqooqi Publication; 2014 (Persian).
20. Marzband R, Zakavi AA. Indicators of spiritual health based on Quran perspective. Medical Ethics Journal. 2012; 6(20):69-99 (Persian).
21. Al-Ashfahani AR. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1999. P. 411.
22. Motahhari M. Ashnaie ba uloome Quran. Tehran: Sadra Publication; 1992. V1 (Persian).
23. Biazar Shirazi A. Tibbe Roohani or mental health. Teharn: Islami Culture Publication; 1999. P. 137-8 (Persian).
24. Misbah Yazdi MT. Akhlaq dar Quran. Tehran: Amirkabir Publication; 1954. P. 211-21 (Persian).
25. Misbah Yazdi MT. Maarif Quran. Qom: Imam Khomeyni Anstitue Publicatioin; 1954. P. 398-9, 447-58 (Persian).
26. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V1, P. 87-90 (Persian).
27. Qaraati M. Tafsire noor. Tehran: Markaze Farhangi Dars-haee Az Quran; 2004. V1, P. 53-5 (Persian).
28. Qurashi SA. Qamouse Quran. Tehran: Darul Kutubul lslamia; 1992. V6, P. 25-30 (Persian).
29. Misbah MT. Pande Javeed. Qom: Imam Khomeyni Anstitue Publicatioin; 2000. V1, P. 43-6; v2, p. 86 (Persian).
30. Tabatabaie SM. Al-mizan Fee Tafsir-Quran. Qom: Islami Publication Office; 1997. V9, P. 70; v15, p 70 (Persian).
31. Misbah Yazdi MT. Akhlaq dar Quran. Tehran: Amirkabir Publication; 1954. P. 211-9 (Persian).
32. Zakavi AA, Marzband R, Jalahi H. Study of anthropological basis of Islamic spiritual health. Qur'anic Researches. 2013; 3(12):47-60 (Persian).
33. Javadi A. Tafseere Tasneem. Qom: Isra Publication; 2007. V2, P. 227 (Persian).
34. Tabatabaie SM. Al-mizan Fee Tafsir-Quran. Qom: Islami Publication Office; 1997. V5, P. 620 (Persian).
35. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V19, P. 97 (Persian).
36. Majlesi Isfahani MB. Bihar Al-anvar. Tehran: Darol-Kotob-Alislamiya; 1982. V7, P. 25.
37. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V15, P. 439 (Persian).
38. Koleyni M. Al-kafi. Tehran: Darul Kutubul lslamia; 1983. V2, P. 129.
39. Tabatabaie SM. Al-mizan Fee Tafsir-Quran.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

61. Tabarsi F. Majma Ul-bayan fi Tafseer-Quran. Tehran: Naser Khosro Publication; 1993. V23, P. 279.
62. Mustafavi H. Al-tahqeeq fee Kalimatul-Quran. Tehran: Kitab Publication; 1981. V3, P. 73-4.
63. Al-Razy F. Mafatihul Ghaib. Beirut: Druehya- turathel- Arabeya; 2000. V28, P. 146.
64. Al-Ashfahani AR. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1999. P. 509.
65. Mustafavi H. Al-tahqeeq fee Kalimatul-Quran. Tehran: Kitab Publication; 1981. V13, P. 43-4.
66. Tabatabaie SM. Al-mizan Fee Tafsir-Quran. Qom: Islami Publication Office; 1997. V9, P. 41 (Persian).
67. Tabarsi F. Majma Ul-bayan fi Tafseer-Quran. Tehran: Naser Khosro Publication; 1993. V10, P. 161.
68. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V23, P. 38 (Persian).
69. Mustafavi H. Al-tahqeeq fee Kalimatul-Quran. Tehran: Kitab Publication; 1981. V4, P. 11.
70. Aloosi SM. Roohul-Maani fee Tafseer Al-Quranil-Azim. Beirut: Dar Al Kutub Al Islamiyah; 1995. V27, P. 19.
71. Farahidi K. Kitaul-eyn. Qom: Hijra Publication; 1990. V4, P. 241.
72. Ibn Farid A. Muajamu Maqaiesel-logha. Cairo: Mostafa Al-babi Al-halabi Publication; 1969. V9, P. 238.
73. Torayhi F. Majma'ul Bahrain. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1996. V2, P. 199 (Persian).
74. Al-Ashfahani AR. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1999. P. 147.
75. Mustafavi H. Tafsir e Roshan. Tehran: Markaze Nasher Ketab; 2001. V11, P. 165 (Persian).
76. Hoseyni Hamadani SM. Anvar Derakhshan. Tehran: Lotfi Bookstore; 1984. V8, P. 364 (Persian).
77. Atiyya J. Al-Akhbar al-Quran. Amman: The University of Jordan; 1985. v1, P. 118-201.
78. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V14, P. 103; (Persian).
79. Hashemi Najafabadi SR. Maqamat Irfani Dar Quran. Available at: http://www.ghadeer.org/Boo1510/240319; 2013.
80. Talsemani AS. Sharhu Manazil-assaerin. Qom: Bidar Publication; 1992. P. 35 (Persian).
81. Tayeb A. Atyab al-bayan fi tafsir Al-Quran. Tehran: Islam. 1999. V9, P. 301 (Persian).
82. Javadi A. True life of human in Quran. Tehran: Isra Publication; 1999. V15, P. 51-6 (Persian).
83. Tabarsi F. Majma Ul-bayan fi Tafseer-Quran. Qom: Islami Publication Office; 1997. V19, P. 605 (Persian).
40. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V19, P. 98 (Persian).
41. Majlesi Isfahani MB. Bihar Al-anvar. Tehran: Darol-Kotob-Alislamiya; 1982. P. 56.
42. Ibid; V70, p. 59.
43. Majlesi Isfahani MB. Bihar Al-anvar. Tehran: Darol-Kotob-Alislamiya; 1982. V81, P. 172.
44. Ali Bin Mousa. Al-fiqh Al-masou ila Al-Imam Reza (AS). Mashhad: Alol-Beyt Institue Publication; 1986. P. 337.
45. Ali Bin Hoseyn. Al-Sahifa al-Sajjadiyya. Trans: Rezaiy MM. Qom: Maarif Publication; 2014. Doa No 23, P. 15.
46. Amedi A. Ghurar al-hikam va durar al-kalim. Qom: Islami Advertising Publication; 1942. Hadith No 3701, P. 296.
47. Ali Bin Hoseyn. Al-Sahifa al-Sajjadiyya. Trans: Rezaei MM. Qom: Maarif Publication; 2014. Doa No 23 (Persian).
48. Tabatabaie SM. Al-mizan Fee Tafsir-Quran. Qom: Islami Publication Office; 1997. V17, P. 223 (Persian).
49. Al-Isfahani H. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1999. P. 461.
50. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V19, P. 435(Persian).
51. Al-Ashfahani AR. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar Al-Ma'rifah; 1999. P. 242.
52. Mustafavi H. Al-tahqeeq fee Kalimatul-Quran. Tehran: Kitab Publication; 1981. V5, P. 198.
53. Bahrani H. Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: The Foundation Mission; 1995. V2, P. 114.
54. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V22, P. 25 (Persian).
55. Aloosi SM. Roohul-Maani fee Tafseer Al-Quranil-Azim. Beirut: Darul- Kutubil-Ilmeyya; 1995. V13, P. 146.
56. Koleyni M. Al-kafi. Tehran: Darul Kutubul lslamia; 1983. P. 11.
57. Ibn Manzoor M. Lisanul Arab. Beirut: Daru Sadir; 1994. V1, Hadith No 11.
58. Tabarsi F. Majma Ul-bayan fi Tafseer-Quran. Tehran: Naser Khosro Publication; 1993. V23, P. 278-279.
59. Aloosi SM. Roohul-Maani fee Tafseer Al-Quranil-Azim. Beirut: Dar Al Kutub Al Islamiyah; 1995. V23, P. 341.
60. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V22, p. 286 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]

Tehran: Naser Khosro Publication; 1993. V2, P. 275.
84. Al-Ashfahani AR. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifah; 1999. P. 258.
85. Tabatabaie SM. Al-mizan Fee Tafsir-Quran. Qom: Islami Publication Office; 1997. V4, P. 471-2 (Persian).
86. Qurashi SA. Qamouse Quran. Tehran: Darul Kutubul lslamia; 1992. V7, P. 114 (Persian).
87. Muhammadi Reyshahri M. Mizanul Hikma. Qom: Maktabul Aalaul Islamia; 1984. V2, P. 972.
88. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Qom. Dar-Al-kotob Al-Eslamieh Publications; 1995. V19, P. 428 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-22]